

قانون‌گریزی، نقض متقابل حقوق شهروندی*

□ فرهاد پروین^۱

چکیده

قانون‌گریزی از موانع مهم رشد و توسعه‌ی جامعه است. انتظار رعایت موازین و مقررات از جانب دیگران و عدم پای‌بندی شخص به مقررات، تفسیر قانون به نفع منافع فردی و گروهی، تقلب نسبت به قانون و استفاده‌ی ابزاری از مقررات، سوءاستفاده از مقررات برای اضرار به منافع عمومی یا خصوصی و نیز قانون‌شکنی، از جمله اشکال متنوع و متعدد قانون‌گریزی است. قانون‌گریزی یک خصیصه‌ی منفی فرهنگی در برابر ویژگی مثبت فرهنگ قانون‌گرایی است. شهروندان، از حقوق متنوع و متعددی در زمینه‌های مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و قضایی برخوردار می‌باشند. تأمین بهینه‌ی حقوق شهروندی از اهداف همه‌ی دولت‌هاست. قانون‌گریزی منحصر به شهروندان نیست. گاه ارگان‌های عمومی نیز با وضع مقررات تبعیض‌آمیز و یا اجرای تبعیض‌آمیز و غیرعادلانه‌ی مقررات، دچار قانون‌گریزی می‌شوند. بررسی آثار قانون‌گریزی بر حقوق شهروندان در مقابل هم و نیز بر حقوق دولت و شهروندان در برابر یکدیگر و نیز قانون‌گریزی درون سازمانی بر

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۲۲.

۱. استادیار دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

حقوق شهروندان، اهداف مقاله را تشکیل می‌دهد.
واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، قانون‌گرایی، قانون‌گریزی، حقوق متقابل.

مقدمه

با وجودی که ده‌ها جلد مجموعه مقررات مدون در زمینه‌های مختلف حقوقی، جزائی، اداری، شهر و شهرداری، مالیاتی و ثبتی وجود دارد؛ با وجودی که همه خود را تابع و مجری مقررات می‌دانند و کسی منکر اهمیت و لزوم تبعیت و اجرای قوانین نیست، اما گویی این مقررات عملاً نمی‌توانند نتایج مطلوب و کاملاً مفید برای جامعه داشته باشند و گاه حتی وجود یا فقدان آنها مؤثر به نظر نمی‌رسد. مقررات به خودی خود جز نقشی بر اوراق نیست و این انسان‌ها (مجریان و تابعان) هستند که به آن روح می‌دهند. حاکمیت قانون بر انسان‌ها و یا حاکمیت انسان‌ها بر قانون، دو راهی مهمی است که همه کم و بیش با آن مواجه هستند. حاکمیت قانون بر انسان‌ها به خلاف امیال و منافع فردی و گروهی است. از جانب دیگر قانون محوری و تبعیت از قانون آن چنان مقبولیت یافته است که کسی جرئت نمی‌کند صراحتاً ابراز دارد که از قانون برتر است. در نتیجه گاه در گفتار اظهار می‌شود که شخص مطیع قانون است، اما در کردار سعی دارد قانون را مطیع خود گرداند. برخی به قوانین مفید به حال خود استناد می‌کنند و قوانینی را که غیر مفید به حال خود تشخیص می‌دهند سعی می‌کنند تا با مداخله در نحوه‌ی تفسیر یا اجرا، مقررات را در استخدام خود درآورند و این همان قانون‌گریزی است که کثرت آن همه را بستوه آورده است.

مراعات حقوق شهروندی، به سبب ارتباط گسترده‌ی آن با همه‌ی افراد جامعه و در همه‌ی ابعاد مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و قضایی، در گرو تبعیت عملی اشخاص از مقررات است. اگر مقررات تابع اشخاص باشد و قانون‌گریزی گسترش یابد، هر منتفع از قانون‌گریزی، در زمانی و مکان دیگر، با مواجهه با قانون‌گریزی دیگری، متضرر از این پدیده خواهد شد.

قانون‌گریزی، حقوق شهروندی و آثار قانون‌گریزی بر حقوق شهروندان در

مقابل هم و در برابر دولت و نیز بر حقوق درون سازمان (عمومی)، در قسمت‌های بعدی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

﴿۱۷۷﴾

مروری بر قانون‌گزیزی و حقوق شهروندی

قانون، معرب کلمه‌ی یونانی Canon است که به فرانسه Loi و به انگلیسی Law گفته می‌شود.^۱ قانون‌گزیزی یک پدیده‌ی حقوقی - اجتماعی است که در مقابل قانون‌گرایی قرار دارد. قانون‌گزیزی دارای ابعاد و اشکال متعدد است و مفهوم عام و گسترده‌تری از قانون‌شکنی دارد. هر قانون‌شکنی قانون‌گزیزی است، ولی هر قانون‌گزیزی قانون‌شکنی نیست. قانون‌گزیزی، حيله نسبت به مقررات است که دارای درجات متفاوت می‌باشد. یکی از درجات آن، تقلب نسبت به قانون است. حقوق مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهاست. انسان هرگاه این اوامر و نواهی را مغایر با منافع خود دیده و امکان گریز آشکار از آن را نداشته است، با حفظ ظاهر موازین قانونی، به تخریب محتوای آن پرداخته است. کثرت قانون‌گزیزی در مواردی آن را از ناهنجار به هنجار تبدیل می‌کند و می‌تواند رعایت قانون را به ناهنجاری تبدیل کند. به کار بردن اصطلاحات ودیعه، قرض‌الحسنه و رهن کامل در قراردادهای اجاره، برای پیش‌گیری از تصریح به ذکر سود پول به عنوان اجاره بها، استفاده از وکالت بلاعزل به جای سند انتقال قطعی در معاملات اتومبیل برای پرهیز از تشریفات زیاد و مالیات بیشتر در انتقال قطعی، ادامه‌ی مستمر تحصیلات برای پرهیز از خدمت سربازی و برخورداری از معافیت احتمالی آتی، درج قیمت منطقه‌ای در اسناد رسمی محاضر در معاملات املاک و غیرمنقول به جای درج قیمت واقعی برای احتراز از پرداخت مالیات بیشتر، آن چنان عادی شده است که کثرت عمل به آنها باعث حکم به صحت و مشروعیت آنها شده است.

در قرآن مجید، قانون‌گزیزی و به ویژه تقلب نسبت به قانون به شدت نهی شده است. در حقوق مذهبی، اخلاق عنصر اساسی و لاینفک حقوق محسوب

حقوق شهروندی، حقوق انسان، به دلیل زندگی در اجتماع معین است و با توجه به مقتضیات و شرایط زمانی و مکانی می‌تواند متفاوت باشد. بخش اساسی حقوق شهروندی ناشی از حقوق داخلی کشورهاست. ترنر گفته است: «شهروندی مجموعه‌ای از حقوق و وظایف است که دست‌یابی هر فرد به منابع اجتماعی و اقتصادی را تعیین می‌کند». تی اچ مارشال شهروندی را به سه عنصر مدنی، سیاسی و اجتماعی تحلیل می‌کند. شهروندی موقعیت اعطاء شده به اعضای کامل اجتماع است (شیبانی، ۸۴، ۱۶۵). حقوق شهروندی را به ۵ گروه حقوق مدنی، حقوق سیاسی، حقوق اقتصادی - اجتماعی، حقوق فرهنگی و حقوق قضایی می‌توان تقسیم نمود.

به همان نسبت که قانون‌گرایی باعث تقویت و تثبیت حقوق شهروندی است، قانون‌گریزی موجب تضعیف و بی‌ثباتی آن است. تأثیرات منفی قانون‌گریزی بر حقوق شهروندی را می‌توان از سه منظر مختلف بررسی کرد:

۱) آثار قانون‌گریزی بر حقوق متقابل شهروندان در برابر یکدیگر؛

۲) آثار قانون‌گریزی بر حقوق متقابل دولت و شهروندان؛

۳) آثار قانون‌گریزی بر حقوق درون سازمانی.

در دنباله‌ی مقاله به بررسی مختصر هر یک از موضوعات سه‌گانه‌ی مذکور می‌پردازیم.

۱) آثار قانون‌گریزی بر حقوق متقابل شهروندان

گرچه طرف اصلی حقوق شهروندی اعم از مدنی، سیاسی، اقتصادی - اجتماعی و یا فرهنگی، قضایی، ارگان‌های عمومی هستند و دولت است که باید بستر بهره‌مندی همگانی و بدون تبعیض این حقوق را برای شهروندان فراهم سازد. اما این استیفای حقوق بدون رعایت ضوابط و قانون‌گرایی از جانب شهروندان امکان‌پذیر نیست. به عنوان مثال رعایت حقوق فرهنگی اقلیت‌های قومی یا زبانی مستلزم آن است که مردمی که متعلق به فرهنگ اکثریت جامعه هستند،

آداب، رسوم، سنن و زبان اقوام اقلیت‌ها را، گرچه به طنز، مورد تحقیر، توهین و ابزاری برای سرگرمی قرار ندهند. احترام به تفاوت‌های قومی و فرهنگی و برابری در آموزش از مهم‌ترین حقوق فرهنگی است (گلدوزیان ۸۵، ۵۶ تا ۷۰). اشتغال و برابری فرصت‌های شغلی از جمله حقوق اقتصادی - اجتماعی شهروندی است. برخی استفاده‌ها از فرصت‌های شغلی به نفع بستگان یا آشنایان باعث محرومیت اشخاص شایسته از دسترسی به حق مهم اشتغال می‌گردد. مراعات و حفظ بسیاری از حقوق مدنی شهروندی همچون حق امنیت، منع تبعیض ناروا بر اساس جنسیت، حفظ حریم خصوصی اشخاص، آزادی رفت و آمد، در گرو مراعات آن از جانب سایر شهروندان است. قانون‌گریزی و عدم رعایت مقررات آپارتمان‌نشینی توسط برخی، زندگی را بر دیگران و به ویژه همسایگان ناگوار می‌سازد. احترام و مراعات حقوق شهروندی دیگران باعث مراعات متقابل و تقویت این حقوق و ایجاد جامعه‌ای سالم و با نشاط می‌گردد. به عکس، عدم رعایت آن، باعث عدم رعایت متقابل می‌گردد و این دور باطل، زندگی را برای همگان تلخ می‌سازد. در اثر کثرت عدم رعایت مقررات شهروندی توسط برخی، زیان‌دیدگان ناچارند به مراجع قضایی متوسل شوند. کثرت مراجعه به دادگاه و دادسرا و حجم بالای ورودی پرونده‌ها، باعث کاسته شدن کیفیت امور قضایی و اطالهی دادرسی می‌شود. این امر به نوبه‌ی خود باعث لطمه به حقوق قضایی شهروندی می‌شود. زیرا کثرت دعاوی، ضریب اشتباهات قضایی را بالا می‌برد و از کیفیت قضاوت می‌کاهد. اشخاصی که حس می‌کنند حقوق تضییع شده‌ی آنها احقاق نشده است، به ناچار از طرق و عناوینی دیگر، پرونده‌های دیگری طرح می‌کنند تا به حقوق خود برسند و زیان این دور باطل نصیب همگان می‌شود.

طبق طرح پیشنهادی نشست جهانی شهری، در منشور جهانی حقوق شهروندی؛ حق برخورداری از محیط زیست سالم و اتخاذ ضوابطی در برابر تصرف عدوانی نواحی و یا مناطق حفاظت شده در برابر آلودگی محیط زیست از

جمله مصرف بهینه‌ی انرژی و احترام به پیشینه‌های طبیعی، معماری، فرهنگی و هنری جزو حقوق شهروندی است. در بسیاری از موارد مذکور، مشکلات موجود در نتیجه‌ی عدم رعایت ضوابط حفظ محیط زیست و بی‌اعتنایی و یا تجاوز به میراث طبیعی، معمای فرهنگی و هنری توسط برخی از شهروندان است.^۲ از دیگر حقوق مهم اجتماعی شهروندی که دارای جنبه‌های فردی نیز هست، حق برخورداری از استراحت و تفریح و استفاده از اوقات فراغت برای همگان است.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: تفریح و بازی کنید زیرا دوست ندارم که در دین شما خشونت دیده شود (نهج‌الفصاحه، ۸۷ و ۱۲۲).

۲) آثار قانون‌گزیزی بر حقوق متقابل دولت و شهروندان

مطالب در دو قسمت بحث می‌شود؛ آثار قانون‌گزیزی شهروندان بر حقوق دولت، آثار قانون‌گزیزی دولت بر حقوق شهروندان.

۱-۲) آثار قانون‌گزیزی شهروندان بر حقوق دولت

دولت در انجام تکالیف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و همه‌ی وظایف خود نیازمند و متکی به رعایت کامل مقررات توسط شهروندان است. به عنوان مثال، دولت همه ساله سعی می‌کند از طریق مالیات‌ها، از اتکاء کشور به درآمدهای نفتی بکاهد. اما این خواسته به علل مختلف تا به حال تحقق نیافته است، زیرا همه می‌دانند که بسیاری از شرکت‌ها دارای دو دفتر حسابداری هستند. دفتری واقعی که همه‌ی حساب‌ها به درستی در آن وارد شده است و هرگز به اداره‌ی دارایی ارائه نمی‌شود و دفتری پلمپ شده و رسمی که بخش‌هایی از حساب‌های واقعی وارد آن می‌شود و در صورت مطالبه دفتر رسمی به دارایی ارائه می‌شود. اشخاصی نیز تحت عنوان مشاور مالیاتی که بخشی از آنها کارمندان سابق دارایی هستند به اشخاص حقوقی در قانون‌گزیزی مالیاتی مشاوره‌ی تخصصی می‌دهند. مثال دیگر این که خدمت سربازی یک وظیفه‌ی ملی است که انجام آن برای

کشور و فرد، هر دو، مفید و ضروری است. قانون‌گزیزی در نحوه بهره‌مندی از معافیت‌های قانونی، از مسائل مطرح در این حوزه است. وقتی که طبق قانون فرزند سرپرست مادر از معافیت برخوردار است، این مشکل به وجود می‌آید که با ملاحظه‌ی آماری مشخص می‌شود که تعداد زیادی از اشخاصی که متارکه نموده بودند بعد از کسب معافیت توسط فرزند، با یکدیگر آشتی نمودند و زندگی مشترک آغاز شده است و این شبهه به وجود می‌آید که گویی اصلاً اختلافی بین والدین نبوده است و هدف کسب معافیت بوده است و یا ایجاد بیماری‌های موقتی و غیرواقعی برای کسب معافیت‌های پزشکی از مسائل مبتلا بوده است. ادامه‌ی تحصیلات به قصد به تعویق انداختن خدمت سربازی آنچنان مرسوم شده که قانون‌گزیزی محسوب نمی‌شود. برخی موارد قانون‌گزیزی‌های خرد و کلان توسط برخی شهروندان، دولت را با مشکلات غیر مترقبه و عدیده مواجه می‌کند و از موانع رشد و توسعه است. انشعابات غیرمجاز آب و برق و گاز و ساخت و سازهای غیرقانونی از جمله موانع رشد و توسعه‌ی حقوق شهری است و توان پاسخگویی دولت را تضعیف می‌سازد.

۲-۲) آثار قانون‌گزیزی دولت بر حقوق شهروندان

دولت نیز می‌تواند قانون‌گریز باشد. این قانون‌گزیزی دارای اشکال متفاوت است. در حالی که محتوای مقررات باید عادلانه، بدون تبعیض و رافع نیازهای جامعه باشد، گاه مقرراتی به تصویب می‌رسد که غیرعادلانه و تبعیض‌آمیز است و این خود مشوق قانون‌گزیزی شهروندان نیز هست. به عنوان مثال در ماده‌ی ۱۱ قانون مسؤولیت مدنی ۱۳۳۹ ذکر شده است که:

کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه‌ی بی‌احتیاطی خسارتی به اشخاص وارد نمایند، شخصاً مسؤول جبران خسارت وارده می‌باشند. ولی هر گاه خسارات وارده مستند به عمل آنها نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و یا مؤسسات مزبور باشد، در این صورت جبران خسارت به عهده‌ی اداره یا مؤسسه‌ی

مربوط است. ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت، هر گاه اقداماتی که به حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به جبران خسارت نخواهد بود.

﴿۱۸۳﴾

در ماده‌ی مذکور دو قانون‌گزیزی صریح وجود دارد. نخست این که کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها به نمایندگی از جانب شخص حقوقی تحت استخدام عمل می‌کنند و بنابراین در هر خسارت وارده، شخص حقوقی اصیل باید خسارت وارد به اشخاص را خود شخصاً جبران نماید و سپس در صورت وجود تقصیر کارمند خود، به آنها رجوع نماید. اصولاً سود و زیان نماینده‌ی اصیل، مربوط به اصیل است و این خلاف اصول حقوقی است که در مواجهه با زیان، اصیل به جای پاسخ‌گویی مستقیم به اشخاص، آنها را با نماینده‌ی خود (کارمند) مواجه نماید. اما اشکال مهم‌تر در قسمت دوم ماده است. عدم مسؤلیت کلی دولت در مقابل مردم در اعمال مربوط به حاکمیت قابل توجیه نیست. اصل لزوم جبران خسارت است. قسمت دوم این ماده به خلاف اصل فقهی و عقلی «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» است. دولت به عنوان ضامن حقوق اشخاص و بزرگ‌ترین شخص حقوقی در کشور و به عنوان الگوی رفتاری در جامعه، که خود حاضر به جبران خسارت وارده از جانب خود نباشد، چگونه می‌توان از سایر اشخاص خواست که حقوق دولت و دیگر اشخاص را رعایت نمایند؟ بدیهی است که این قانون‌گزیزی صریح و قانونی دولت بر حقوق شهروندان تأثیر منفی به جای می‌گذارد و خود توجیهی برای عدم رعایت حقوق دولت توسط شهروندان می‌گردد و این دور و تسلسل در نهایت کشور و جامعه را تضعیف می‌نماید.

همه‌ی اقسام حقوق شهروندی، تا حد زیادی وابسته به مراعات و اجرای ضمانت‌های حکومتی است. در حق تعلیم و تربیت که از اقسام حقوق فرهنگی، شهروندی است اصل سیاسی‌ام قانون اساسی مقرر می‌دارد:

دولت موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان برای همه‌ی ملت تا پایان

دوره‌ی متوسطه فراهم سازد و وسائل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

(۱۸۴)

بدیهی است گسترش روزافزون آموزش و پرورش و آموزش عالی غیر دولتی و محدود شدن آموزش رایگان، در میزان بهره‌مندی اقشار آسیب‌پذیر و کم‌توان مالی از حقوق فرهنگی خلل وارد می‌آورد. همانطوری که در مقابل سعی و اهتمام دولت در اجرای اصل سی‌ویکم قانون اساسی «حق داشتن مسکن متناسب نیاز» و پروژه‌ی مسکن مهر باعث بهره‌مندی روزافزون افراد از این حق اقتصادی و اجتماعی گشته است.

۳) آثار قانون‌گریزی بر حقوق درون سازمانی

طبق نظریه‌ی تفکیک قوا، سازمان حکومت به سه بخش قوه‌ی مقننه، قوه‌ی مجریه و قوه‌ی قضائیه تقسیم می‌شود. امور کشور بین این سه قوه به طور نسبی تقسیم شده است. پای‌بندی به مقررات تقسیم‌کننده‌ی وظائف و اختیارات بین سه قوه و تعامل سازنده بین آنها ضامن حیات جامعه است. اما از طرفی برخی امور وجود دارد که سازمان‌ها و ارگان‌های مختلفی با آن مرتبط هستند و امکان تفکیک واقعی بسیار مشکل به نظر می‌رسد. از طرف دیگر، میل به سلطه و توسعه‌طلبی در برخی از اشخاص منجر به تزاخم بین متصدیان امور دستگاه‌های عمومی می‌گردد. به عنوان مثال، موضوع ورزش و تربیت جوانان منحصر به وزارت ورزش و جوانان نبوده، آموزش و پرورش، وزارت ارشاد و برخی سازمان‌های دیگر نیز با این موضوعات مرتبط هستند. با توجه به این که اصولاً مقررات نیز معمولاً دارای ابهام و اجمال بوده و تاب تفسیرهای مختلف را دارند. گاه هر سازمانی مقررات را به نحوی تفسیر می‌کند که بتواند حدود مداخله‌ی دیگر ارگان‌ها را کم نموده یا موضوع را تحت سلطه‌ی انحصاری خود در آورد. تفسیر به رأی از مقررات، تفسیر مقررات به نفع سازمان متبوع و استفاده‌ی ابزاری از قانون توسط یک ارگان در جهت محدود نمودن دامنه‌ی عمل سایر

ارگان‌ها نیز از اشکال قانون‌گریزی است. برخی مجادلات بین قوای مقننه و مجریه و سعی در محدود نمودن اختیارات هر یک توسط دیگری، مستلزم عدم توجه به فلسفه‌ی وجودی نهادهای عمومی است که هدف از تشکیل و اختیارات آنها حفظ منافع عمومی و کشور است. در واقع قانون‌گریزی فردی و شخصی، در قالب سازمانی که فرد در آن مسؤولیتی دارد تجلی عمومی و سازمانی پیدا می‌کند.

قانون‌گریزی درون سازمانی باعث تشویق و تشدید عدم رعایت مقررات در بین شهروندان می‌شود. بیشترین آثار منفی قانون‌گریزی درون سازمانی (عمومی) نصیب شهروندان می‌شود.

نتیجه‌گیری

قانون‌گریزی حاصل تمایل به حاکمیت انسان بر قانون است. گسترش این پدیده باعث می‌شود منتفع از آن، در زمان و مکانی دیگر متضرر شود. قرآن مجید به شدت از قانون‌گریزی و به ویژه تقلب نسبت به قانون، که از اقسام آن است، نهی می‌کند. لازمه‌ی بهره‌مندی از حقوق شهروندی، مراعات آن از جانب دیگر شهروندان است. احترام و مراعات حقوق شهروندی باعث مراعات متقابل و تقویت این حقوق می‌شود.

دولت در انجام تکالیف مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود نیازمند و متکی به رعایت حقوق شهروندی توسط مردم است. گریز از اجرای مقررات و نادیده انگاشتن آن توسط برخی، باعث عدم تحقق برنامه‌ها و اهداف دولت‌ها می‌شود. قانون‌گریزی مالیاتی، در امور نظام وظیفه و در تنظیم اسناد رسمی، گاه آنچنان گسترده می‌گردد که خود یک هنجار و اطاعت از مقررات تبدیل به امری غیر عادی و ناهنجار می‌شود.

قوانین و مقررات تبعیض‌آمیز دولتی و یا اجرای تبعیض‌آمیز آن از جانب متصدیان امر، مشوق و بستر ساز قانون‌گریزی‌های جدید است. قانون‌گریزی

موجب نقض متقابل حقوق شهروندی می‌گردد. قانون‌گزینی درون سازمانی، باعث تشویق و تشدید عدم رعایت مقررات در بین شهروندان می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

- ۱) رجوع شود به فرهنگ انگلیسی Black's Law Dictionary و فرهنگ فرانسوی Lexique de termes Juridiques .
- ۲) قرآن مجید، آیات ۶۵ و ۶۶ سوره‌ی بقره، ترجمه‌ی الهی قمشه‌ای.
- ۳) رجوع شود به منشور جهانی حقوق شهروندی، طرح پیشنهادی نشست جهانی شهری - سپتامبر ۲۰۰۴ ترجمه‌ی بخشی از آن توسط مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد در ۱۳۸۵/۳/۲۷، قابل مشاهده در www.rcmc.mashhad.ir .

منابع و مآخذ

- ۱) پروین، فرهاد، تقلب نسبت به قانون و دادگاه در تعارض قوانین، مجله‌ی پژوهش حقوق و سیاست، شماره‌ی دوم و سوم، بهار تا زمستان ۱۳۷۹ .
- ۲) شبیانی، ملیحه، شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، فصلنامه‌ی حقوق تأمین اجتماعی، سال اول، شماره یک بهار ۱۳۸۴ .
- ۳) گلدوزیان، مریم‌السادات، حق دارا بودن تابعیت به عنوان حق بشری و چگونگی اعمال آن در حقوق داخلی ایران، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، سال تحصیلی ۸۴-۸۵ .
- ۴) نهج‌الفصاحه، سخنان رسول اکرم صلی الله علیه و آله، به کوشش علی شیروانی، انتشارات دارالفکر، ۱۳۸۵ .